

نگاه کارشناس

سید نادر نوربخش تحلیلگر مسائل اروپا در گفت و گو با «هم میهن»:

خودداری احزاب از ائتلاف با راست افراطی نمی تواند به شکل همیشگی مانع رشد افراط گرایان شود

در واقع بازتابی اخبار مربوط به پناهجویان آلمان در رسانه‌ها که اغلب منفی و آمیخته با احساس هراس فرهنگی و اقتصادی است باعث دامن زدن به نارضایتی در مناطقی می شود که همچون شرق آلمان تماس مستقیمی با مهاجران ندارند اما به دلایل متعدد اجتماعی نسبت به آن بدبین هستند.

آیا پیروزی AfD می تواند به الگویی برای دیگر احزاب راست افراطی در اروپا تبدیل شود؟

امروزه تقریباً در اغلب کشورهای اروپایی احزاب راست‌گرای رادیکال وجود داشته و هرکدام با توجه به تاریخچه عملکرد و سیاست‌های خود، رویکرد منحصر به فردی به مسائل دارند؛ با این حال همه این احزاب در موضوعاتی همچون ضدیت با مهاجرت، بدبینی به اتحادیه اروپا و نگرش‌های پوپولیستی شباهت‌هایی دارند. حزب آلترناتیو برای آلمان در این میان یکی از موارد متاخر در روند رشد این جریان است که در این بحث نمونه‌ای جدیدتر محسوب می شود. با این حال رویکرد این حزب در زمینه‌هایی همچون پذیرفته شدن توسط جریان اصلی در صورت وقوع می تواند الگویی برای احزاب راست رادیکال در کشورهای دیگر هم باشد. باید توجه داشت احزاب راست‌گرای رادیکال در کشورهای دیگر هنوز با اتحاد و یکپارچگی و همکاری‌های بین‌المللی فاصله زیادی دارند که بخشی از آن ناشی از رویکردهای ملی‌گرایانه آن‌ها و اصطلاحاً ژئوپلیتیکی محسوب می شود، برای مثال اکنون در پارلمان اروپا احزاب راست رادیکال به سه دسته‌بندی ولوک و بلوک مختلف تعلق دارند و بسیاری از آن‌ها هستند که حزب آلترناتیو برای آلمان را بیش از حد تندرو می دانند و از همکاری با آن خودداری می کنند؛ اگر چه خود شباهت‌های زیادی با این حزب دارا هستند.

چرا رفتار رای دهندگان آلمانی در شرق و غرب آلمان تا این اندازه متفاوت بود؟

این رفتار متفاوت در چند موضوع ریشه دارد: پیش از ورود به این بحث باید توجه کنیم اصولاً احزاب سیاسی آلمان پایگاه جغرافیایی خاص خود را دارا هستند و این امر در هنگام رای دهی مشخص است. برای مثال احزاب مسیحی در مناطق کاتولیک به‌ویژه در جنوب و جنوب غرب این کشور موفق تر هستند و حزب دموکرات مسیحی بیشتر در نواحی پروتستان در شمال آلمان قوی عمل می کند یا اینکه حزب سبزها در شهرهای بزرگ و در میان طبقات تحصیلکرده پایگاه دارد، در این بین پایگاه اجتماعی حزب آلترناتیو برای آلمان به قدری در شرق این کشور واضح است که نقشه رای دهی به آن تقریباً یادآور نقشه کشور آلمان شرقی است که تا سال ۱۹۸۹ وجود داشت. در واقع موضوعاتی همچون اختلافات اجتماعی و اقتصادی در شرق آلمان که پس از گذشت سه دهه از اتحاد آلمان هنوز به چشم می خورد، باعث شده بسیاری از شهروندان در ایالت‌های شرقی احساس کناز گذشته شدن یا شهروند در جه دو بودن را داشته باشند. در کنار این ضعیف بودن زیرساخت‌های مهاجرت با مقایسه با غرب و کوچ معکوس جوانان به ایالت‌های غربی برای فرصت‌های شغلی بهتر عملاً این ایالت‌ها راه پایگاه مناسبی برای شهروندان ناراضی مبدل کرده است که معتقدند تنها حزب آلترناتیو برای آلمان صدای واقعی آن‌ها را انعکاس می دهد. از سویی هم باید توجه داشت سیطره چهار دهه کمونیسم در شرق آلمان باعث شده جامعه مدنی به شکلی که در غرب وجود دارد در این بخش ضعیف باشد.

همزمان با اوج‌گیری احزاب مهاجرستیز و اسلام‌هراس، نگرانی‌ها از اقدامات تروریستی در میان افکار عمومی آلمان روبه افزایش است. آیا میان این موارد نوعی همبستگی وجود دارد؟

در آلمان نگرانی‌های فراوانی برای اقدامات خشونت‌بار و افراطی یا منشأ راست‌گرایانه وجود دارد که معمولاً با عناوینی همچون جرم ناشی از نفرت و یا اقدام نژادپرستانه نامیده می شوند. این اقدامات می تواند شامل خرابکاری و یا حمله و اقدام علیه مهاجران خارجی، پناهجویان و اقلیت‌های مذهبی باشند که در سال‌های گذشته بیشتر شامل یهودی‌ها بود و در سال‌های اخیر مسلمانان را نیز هدف قرار می دهد. با این حال نمی توان این اقدامات را به‌طور مستقیم با حزب آلترناتیو برای آلمان مرتبط دانست، اگر چه ممکن است تعدادی هوادار تندرو هم میان حامیان این حزب وجود داشته باشد اما به‌طور کلی این حزب بر خلاف گروه‌های نئونازی در ساختار دموکراتیک شرکت کرده و خواهان سرنگونی دولت نیست، از طرفی هم نژادپرستی بیولوژیک را دنبال نمی کند و موضوعات فرهنگی و هویتی را جایگزین آن کرده است. نمونه فعالیت‌های زیرزمینی غیرقانونی برای مثال به گروه افراطی موسوم به شهروندان رایش تعلق داشت که دو سال پیش شبکه آن کشف شد این گروه خواهان سرنگونی نظام حاکم آلمان بود.

پیش‌بینی می‌شود دولت آینده متشکل از ائتلاف CDU/CSU با سوسیال دموکرات‌ها باشد. با توجه به اختلافات جدی در برخی حوزه‌های اساسی، چنین دولتی شانس برای بهبود وضعیت و پیشبرد امور دارد؟

اصولاً برای تشکیل دولت ائتلافی مذاکرات جدی لازم است و گاهی برای تحقق این امر طرفین ناچار خواهند بود از برخی از سیاست‌های بنیادین خود چشم‌پوشی کنند؛ با این حال با توجه به جایگاه ضعیف حزب سوسیال دموکرات در این انتخابات برگ برنده در دست احزاب مسیحی است و آن‌ها اهرم چانه‌زنی اصلی را در اختیار خود دارند. در واقع احتمال موفقیت ائتلاف بیش از هر چیز به توانایی آن‌ها به پاسخگویی به مطالبات بستگی دارد و با توجه به مشکلات جاری دولت پیش‌رو چه در زمینه مسائل داخلی و چه موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با آلمان راه دشواری را در پیش خواهد داشت.



سیاستمداران



توقف کمک آمریکا به اوکراین

یک مقام کاخ سفید اعلام کرد «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، پس از درگیری با «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین در روزهای گذشته، کمک نظامی به اوکراین را متوقف کرده است. این اقدام شکاف بین این دو متحد سابق را عمیق‌تر می کند. این اقدام پس از آن صورت گرفت که ترامپ از زمان آغاز ریاست‌جمهوری اش در ژانویه، سیاست آمریکا در قبال اوکراین و روسیه را دگرگون کرد و رویکردی مصالحه‌آمیزتر نسبت به مسکو در پیش گرفت. همچنین این تحولات، پس از یک درگیری شدید در کاخ سفید در روز جمعه است که در آن ترامپ، زلنسکی را به دلیل قدرشناسی از حمایت واشنگتن در جنگ با روسیه مورد انتقاد قرار داد. این مقام روس دوشنبه به شرط ناشناس ماندن به خبرگزاری رویترز گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ به‌وضوح اعلام کرده که بر صلح تمرکز دارد. ما از شرکای خود هم انتظار داریم که به این هدف متعهد باشند. ما کمک‌ها را متوقف و بازبینی می کنیم تا مطمئن شویم که در جهت یافتن یک راه حل مؤثر هستند.» کاخ سفید درباره میزان و دامنه کمک‌های تحت تأثیر این تصمیم یا مدت‌زمان این توقف اظهارنظری نکرد. پنتاگون هم جزئیات بیشتری ارائه نداد. دفتر زلنسکی و سفارت اوکراین در واشنگتن هم به درخواست رویترز برای اظهارنظر پاسخ ندادند. روز دوشنبه، ترامپ بار دیگر تأکید کرد که زلنسکی باید قهرمان حمایت آمریکا باشد. او پیش‌تر هم با عصبانیت به گزارش خبرگزاری آسوشیئیتد پرس واکنش نشان داده بود که در آن زلنسکی گفته بود پایان جنگ «بسیار، بسیار دور» است. ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» نوشت: «این بدترین اظهارنظری است که زلنسکی می‌توانست بکند و آمریکا دیگر مدت زیادی این وضعیت را تحمل نخواهد کرد.» بر اساس گزارش کمیته مستقل «بودجه فدرال مسئولانه»، از زمان حمله روسیه سه سال پیش، کنگره آمریکا ۱۷۵ میلیارد دلار کمک به اوکراین را تصویب کرده است. دولت ترامپ ۲/۸۵ میلیارد دلار مجوز کنگره برای استفاده از ذخایر تسلیحاتی آمریکا برای اوکراین را به ارث برده بود، اما با توجه به تنش‌های فراینده بین واشنگتن و کی‌یف، استفاده از این کمک‌ها از پیش‌بعد به نظر می‌رسید.



انتقاد والسا از ترامپ

لخ والسا، رئیس‌جمهوری پیشین لهستان و رهبر اتحادیه کارگری «همبستگی» که نقش برجسته‌ای در سقوط کمونیست این کشور ایفا کرد، نامه‌ای خطاب به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده را امضا کرد که امضاکنندگان آن، از مشاخره او با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین ابراز «وحشت» کرده بودند. برنده جایزه صلح نوبل، متن این نامه را که توسط ۳۹ زندانی سیاسی سابق لهستانی نیز امضا شده بود، روز دوشنبه در فیسبوک منتشر کرد. ترامپ در نشست روز جمعه با حضور زلنسکی تشکیل و به‌طور زنده در رسانه‌ها بخش شد، رئیس‌جمهوری اوکراین را به ناسپاسی در مقابل کمک‌های آمریکا، بی‌احترامی به این کشور و تقویت خطر وقوع جنگ جهانی سوم متهم کرد و حمایت مستمر واشنگتن از اوکراین را در جریان جنگ سه‌ساله این کشور با روسیه زیر سؤال برد. در این نامه آمده است: «ما گفت‌وگوی شما با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین را با وحشت و بی‌بازی تماشا کردیم... ما انتظارات شما در خصوص احترام و قدرانی از کمک‌های مادی ارائه‌شده توسط ایالات متحده به اوکراین در نبرد با روسیه را توهمین‌آمیز می‌دانیم. باید از سربازان قهرمان اوکراینی سپاسگزار کرد که در دفاع از ارزش‌های آزاد جهان خون ریختند.» در نامه‌ای که به امضای لخ والسا رسیده، فضای جلسه روز جمعه با فضای «بازجویی‌های سرویس امنیتی و... دادگاه‌های کمونیستی» مقایسه شده است. در این نامه همچنین از ایالات متحده خواسته شده که به تضمین‌های امنیتی که در سال ۱۹۹۴ میلادی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به اوکراین داده شده بود، متعهد بماند. نامه تأکید می‌کند که این تضمین‌ها «بدون قید و شرط» هستند و «هیچ کلمه‌ای در مورد تلقی چنین کمک‌هایی به عنوان مبادله اقتصادی وجود ندارد.»

و اقتصادی آمریکا به اوکراین، کار را برای نیروهای اوکراینی در میدان نبرد بسیار سخت خواهد کرد. مقام‌های ارشد نظامی در اوکراین تخمین می‌زنند که ۲۰ درصد کل تجهیزات و تسلیحات مورد استفاده سربازان اوکراینی در میدان نبرد از سوی آمریکا تأمین شده است. ۴۵ درصد تجهیزات در اوکراین تولید می‌شود و اروپا نیز ۲۵ درصد تجهیزات و تسلیحات را تأمین می‌کند. با این وجود، این مقام‌ها اذعان می‌کنند که این ۲۰ درصد، پیشرفته‌ترین و کارآمدترین تجهیزات و تسلیحات اوکراین را شامل می‌شود و جایگزینی آن‌ها بسیار سخت خواهد بود. این وضعیت، با توجه به وضعیت یک سال گذشته میدان جنگ، برای اوکراین ترسناک است. روسیه در سال ۲۰۲۴ عمدتاً در وضعیت تهاجمی قرار داشت و به‌ویژه در نیمه دوم سال توانست سرعت پیشروی خود را به طور قابل توجهی افزایش دهد.

اروپا می‌تواند جای خالی آمریکا را پر کند؟

ریچل الیوس، پژوهشگر امنیتی بریتانیایی در این باره نوشته است: «کمک‌های ارسالی آمریکا در سه حوزه بسیار حائز اهمیت هستند. اول در حوزه دفاع هوایی که اروپایی‌ها جایگزین مناسبی برای سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت ندارند. دوم در زمینه موشک‌های بالستیک که ذخایر اروپا برای تسریع در تحویل موشک‌های بیشتر کافی نیست و سوم نیز در زمینه تأمین اینترنت به‌ویژه در خطوط مقدم که استارلینک و ایلان ماسک نقش بسیار مهمی داشتند.»

مسئله هزینه‌ها نیز مطرح است. تاکنون، ایالات متحده ۳۳/۸ میلیارد دلار (۲۷ میلیارد پوند) تسلیحات و مهمات به اوکراین اهدا کرده و ۳۳/۲ میلیارد دلار دیگر نیز برای خرید تسلیحات ساخت آمریکا در اختیار کی‌یف قرار داده است. بر اساس گزارش دانشگاه کی‌یل در آلمان، کمک‌های نظامی اروپا نیز تقریباً در همین سطح مالی و معادل ۶۲ میلیارد یورو (۵۱ میلیارد پوند) بوده است. این بدین معناست که برای جبران کامل کمبودها، میزان کمک‌ها باید دو برابر شود. چنین افزایش چشمگیر خواهد بود و به طرح مجدد این پیشنهاد منجر می‌شود که بخشی از ۳۰۰ میلیارد دلار دارایی‌های مسدودشده بانک مرکزی روسیه برای تأمین مالی تلاش‌های جنگی اوکراین مورد استفاده قرار گیرد، اگر چه مشخص نیست که این امر از نظر قانونی امکان پذیر است یا خیر.



انتخابات پارلمانی آلمان در شرایطی به پایان رسید که دموکرات مسیحی‌ها (CDU/CSU) به رغم عملکرد پایین‌تر از حد انتظار از پیروزی خود خوشحالند، سوسیال دموکرات‌ها (SPD) پس از تجربه بدترین شکست قرن این حزب به تقییر و بازسازی فکر می‌کنند و حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان (AFD) سرخوش از تاریخ‌سازی، رویای پیروزی در انتخابات سراسری آینده را در سر می‌پروراند. سیدنادر نوربخش، تحلیلگر مسائل اروپا در گفت و گو با «هم میهن» به بررسی دلایل رقم خوردن این نتیجه در انتخابات آلمان و آثار و تبعات آن پرداخته است. این گفت و گو را ادامه می‌خوانید:

هر چند دموکرات مسیحی‌ها و حزب خواهر آن‌ها در پایین یعنی سوسیال مسیحی‌ها توانستند در این انتخابات پیروز شوند اما از بی‌بسیاری از کارشناسان افت احزاب میانه‌رو در آلمان است. آیا واقعاً جایگاه احزاب میانه‌رو و جریان اصلی تنزل یافته؟ اگر بله، علت این موضوع چیست؟

به‌طور کلی طی سال‌های گذشته شاهد افت و کاهش محبوبیت احزاب میانه در اغلب کشورهای اروپایی بوده‌ایم و آلمان هم از این امر مستثنی نیست، در واقع بسیاری از رای‌دهندگان به این نتیجه رسیده‌اند که احزاب موسوم به جریان اصلی به شکل نوبتی قدرت را در اختیار داشته‌اند و اگر کسی خواهان تغییر است باید به سوی احزاب ضدساختار برود، نکته مهم اما در این بین این است که این افول بیشتر در مورد احزاب چپ میانه صادق است؛ برای مثال حزب سوسیال دموکرات یکی از ضعیف‌ترین نتایج تاریخی خود را به نمایش گذاشت که برای جریان سیاسی که قدمت آن به جمهوری وایمار می‌رسد قانع‌بار محسوب می‌شود. اگر چه راست میانه و محافظه‌کاران به‌رغم همه چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بوده همچنان جایگاه نخست را حفظ کرده‌اند اما رشد حزب آلترناتیو بری آلمان در سمت راست طیف و همچنین رشد حزب چپ رادیکال در انتخابات اخیر به نوعی نشان از قلبی شدن فضا و تضعیف کلی احزاب میانه دارد.

رشد چشمگیر حزب آلترناتیو برای آلمان (AFD) با تمرکز بر موضوع مهاجرت چه پیامدهایی برای سیاست داخلی آلمان خواهد داشت؟ آیا این روند در انتخابات سراسری آینده نیز ادامه خواهد داشت؟

با توجه به سیاست‌های ضد مهاجرتی حزب آلترناتیو برای آلمان رشد محبوبیت این حزب می‌تواند باعث شود احزاب دیگر هم در قبال موضوع مهاجرت و پناهجویی اقدامات سختگیرانه بیشتری اتخاذ کنند، در واقع احزاب دیگر ناچار خواهند شد برای جلب نظر برخی رای‌دهندگان به موضوعاتی که برای آن‌ها اولویت دارد پاسخ دهند و اکنون مسائلی همچون مهاجرت و امنیت از موضوعات مهم نزد رای‌دهندگان است. این امر به سختگیری بیشتر وضع قوانین جد برای جلوگیری از ورود مهاجران منجر می‌شود اما به معنای اخراج خارجی‌ها و امثالهم نخواهد بود، همانگونه که در ایتالیا هم موفقیت حزب برادران ایتالیا به رهبری ملونی باعث تشدید سیاست‌های ضد مهاجرتی شد اما نه در آن اندازه‌ای که رسانه‌ها آن را احتمال می‌دادند، با توجه به جایگاه اپوزیسیون که اکنون در اختیار حزب AfD قرار دارد و در برابر شدن میزان کرسی‌های آن نسبت به انتخابات پیشین تصور می‌شود این امر در انتخابات آینده هم ادامه داشته باشد.

چرا احزاب جریان اصلی پیش از انتخابات تصمیم گرفتند که با احزاب افراطی ائتلافی نداشته باشند و آیا این سیاست می‌تواند برای بلندمدت در جلوگیری از دستیابی احزاب افراطی به قدرت مؤثر باشد؟

این تصمیم در واقع تنها محدود به پیش از انتخابات نبوده و ریشه در سنتی طولانی مدت در تاریخ سیاسی جمهوری فدرال آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم و سپس جمهوری فدرال آلمان دارد که احزاب مختلف از هرگونه همکاری با جریان راست افراطی خودداری می‌کنند، این امر به قدری مهم است که باعث می‌شود در کشوری همچون آلمان که هیچ حزبی به تنهایی قادر به کسب اکثریت آرا نیست در عمل حزبی همچون AfD با کسب بالغ بر دو برابر میزان کنونی یعنی ۴۰ درصد هم قادر به ورود به دولت نباشد. این بایکوت سیاسی تاکنون راه‌حلی کاربردی برای مقابله با این حزب بوده اما در درازمدت این پیام را به رای‌دهندگان ناراضی می‌رساند که همه احزاب دیگر اعم از چپ و راست دست در یک کاسه دارند و به‌رغم تفاوت‌های ظاهری برای جلوگیری از قدرت‌یابی این حزب با یکدیگر همکاری می‌کنند. لذا این راهبرد نمی‌تواند به شکل همیشگی مانع رشد این حزب شود و البته بیشتر از هر چیز به اراده حزب راست میانه در پایبندی به آن بستگی دارد.

یکی از موضوعات مورد توجه احزاب افراطی بحث مهاجرت است. آیا آمار یا پژوهشی در باره ارتباط میان بحران‌های آلمان و مهاجران وجود دارد؟

موضوع مهاجرت رابطه مستقیمی با رای‌دهی به حزب «آلترناتیو برای آلمان» دارد و پژوهش‌های مختلفی که در این زمینه انجام شده همگی تأییدکننده این امر هستند؛ برای مثال بحران پناهجویی سال ۲۰۱۵ به شکل مستقیمی باعث افزایش نگرانی رای‌دهندگان از تبعات فرهنگی و هویتی ورود مهاجران شد و این موضوع را به بحث اصلی در کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۷ مبدل نمود، این امر باعث شد حزب تازه تاسیس AfD در آن سال به بوندستاگ راه پیدا کند و برای اولین بار بعد از هشتاد سال مصونیت آلمان از داشتن یک جریان سیاسی راست‌گرای رادیکال در پارلمان محروم شود. با این حال ذکر این نکته ضروری است که ورود مهاجران از نظر جغرافیایی لزوماً به افزایش گرایشات بیگانه‌ستیزانه و راست‌گرا فقط در همان ناحیه منجر نمی‌شود و برای مثال در شرق آلمان که اصولاً تعداد اندکی مهاجر خارجی وجود دارد میزان رای‌دهی و حمایت از این حزب به مراتب بالاتر از ایالت‌های غربی آلمان است.